

تأمل

دیوارهای شهر، ۴۴ سال بعد

دیوارهای محتضر



عباس یاری

● این تکه زردشده روزنامه، یادداشتی است که اواخر اسفند پیش از ۴۴ سال پیش، زمانی که در اراک، هم محصل دبیرستان بودم، و هم خبرنگار اجتماعی روزنامه «کیهان»، چاپ شد. آن زمان شهردار اراک مردی بود به نام آقای احسانی که آرزو می‌کنم اگر زنده است، عمرش دراز باشد، و اگر فوت کرده، خدا روحش را قرین رحمت کند. او در اطلاعاتیه‌ای که به در و دیوار شهر چسبانده شده بود، با تبریگ فرارسیدن سال نو، مردم را به رعایت مواردی از جمله نظافت شهر دعوت کرده بود. من با نوشتن این یادداشت کوتاه، آقای شهردار را به نکته‌ای اشاره داده بودم.

رطب خورده منع رطب کی کند؟



فردای آن روز تماس‌هایی با دفتر نمایندگی روزنامه گرفته شد که شهردار می‌خواهد با من ملاقات کند. راستش به‌عنوان یک نوجوان محصل دبیرستانی، اولش کمی جا خورده بودم. نماینده روزنامه هم نگران بود و مرتب نصیحت می‌کرد که «چرا توی این کارها دخالت می‌کنی؟ اینها با دو سوت کلکت را می‌کنند». اما هرجوری بود شال و کلاه کردم و رفته به شهرداری. پشت در اتاقش، صدای بلند آقای شهردار را می‌شنیدم که داشت سر چند نفر فریاد می‌زد که چرا در فلان جا اجازه داده شده باغچه‌پیاوه‌رو را خراب کنند و آسفالت بریزند. رئیس دفترش به او خبر داد که: «آقا خبرنگار روزنامه کیهن...».

همدیگر را می‌شناختم. توی مراسم‌های رسمی مرا دیده بود. وارد که شدم با تعجب بسیار جلوی پایم بلند شد و با لحنی گفت: «آقا شما که آبروی ما را در شهر بردی! یک تلفن می‌زدی جلوی مشکل را می‌گرفتم. فرداست که شورای شهر ما را سکه یک پول کند... لیخندی تحویلش دادم با جوابی کوتاه: «کار خبرنگاره دیگه!».

دعوت کرد بنشینم. گفت برایم جای آوردند. توی این فاصله زنگ زد به دفتر یکی از معاونانش که باید همه این اطلاعاته‌ها از درودیوار کنده شود.

بعد به من گفت: «به عکاست بگو بیاید اینجا...».

اولی را دیدم خود تمیز کنم...». به دوست بزرگوارم محمدعلی داوری(عکاسی همایون)، عکاس خبری روزنامه که عمرش دراز باد، زنگ زدم. دقایقی بعد خودش را به دفتر شهردار رساند. بعد همگی راه افتادیم به سمت میدان باغ ملی آن زمان در نزدیکی سینما ایران؛ آقای شاد، و چند تن از معاونان و کارگران شهرداری با یکی، دو آتپاش و کاردک، کارگری مقداری آب پاشید روی دیوار و شهردار با کاردک شروع کرد به تمیزکردن دیوار و ما عکس گرفتیم و خبرش دوباره چاپ شد. ۴۴ سال از آن تاریخ می‌گذرد. چه بر سر شهرهای بزرگمان آمده که در هیچ کدام، هیچ دیواری از تهاجم انواع برچسب‌های تخلیه چاه و لوله‌بارنگی و تست‌کنکور و مشارکت در ساخت‌وساز ایمن نیست؟ چقدر برای شورا‌های شهرها با شهردارانمان این مسائل اهمیت دارد...؟ حالا دو آتپاش و یک کاردک هم برای تمیزکردن درودیوار شهر گفایت نمی‌کند.

شرق؛ بازتاب‌های حضور یک پوزر عروس در برنامه «ماه عسل» ادامه دارد؛ انتشار عکس‌های یک مدل زن از صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام باعث شده است بار دیگر در چند روز اخیر، بحث‌هایی درباره رعایت اخلاق از سوی مردم و دست‌گذاشتن صداوسیما روی موضوعی که می‌تواند حاشیه‌ساز باشد، داغ شود.

احسان علیخانی، مجری و تهیه‌کننده «ماه عسل» از ابتدای ماه رمضان سال‌جاری خیرساز بود. دستمزد او و میهمان‌هایی که در برنامه‌اش شرکت می‌کنند، واکنش‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های رسمی به‌دنبال داشت. در تازه‌ترین اخباری که درباره برنامه او منتشر شده است، یکی از میهمانان «ماه عسل» به یکی از بحث‌های حاشیه‌ای این روزها بدل شده است. یکشنبه، شب هفتم تیر، الهام عرب به‌عنوان یک پوزر عروس در این برنامه شرکت کرد. پوزر عروس کسی است که نحوه رفتار و ژست‌گرفتن عروس را آموزش می‌دهد.

علیخانی با اشاره به شغل این میهمان گفت: «من یک فیلم عروسی دیدم که از نصف تولیدات سینما بهتر بود. عروس و داماد قصه و سناریو داشتند و فیلم‌برداری عجیب در کشتی فوق‌العاده بود».

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، علیخانی در فواصل صحبت‌های میهمان بعدی، گفت: «رئیس شبکه راجع به فیلم عروسی‌ای که در ابتدای برنامه راجع به آن صحبت کردم، درخواست توضیح کردند، باید بگویم این فیلم کوتاه در فضای مجازی منتشر شده بود که همه آن را ببینند و چیز عجیبی هم نیست».

البته اجرای اصلی بعد از حضور او در این برنامه آغاز شد. انتشار عکس‌هایی از عرب، به‌عنوان مدل عروس از صفحه شخصی‌اش که در اینستاگرام قرار داشت، منجر به ایجاد حواشی زیادی شد. به گزارش

ادامه بازتاب حضور یک «پوزر» در «ماه عسل»

جذب مخاطب به قیمت حاشیه

خبرآنلاین، مخاطبان بعد از پایان برنامه، وقتی سراغ صفحات شخصی الهام عرب رفتند با صفحه‌ای قفل‌شده روبه‌رو شدند. او بعد از حضور در این برنامه، به‌سرعت تمامی عکس‌های خود را از صفحه اینستاگرام خود حذف کرد. بااین‌حال، عکس‌های او در فضای مجازی پخش شد.

انتشار این عکس‌ها، دو نوع واکنش در پی داشت؛ برخی مخاطبان معتقد هستند قراردادن عکس‌های این مدل کار اخلاقی نبود و عده‌ای نیز انتقاد خود را متوجه صداوسیما کردند که از ابتدا به‌سمت یک موضوع جنجالی رفته است. در کامنت‌هایی که در خبرآنلاین منتشر شده، مجتبی نوشته است: «توزیع عکس و اطلاعات یک فرد برخلاف میل خودش کاری غیرانسانی و غیراخلاقی است. گذشته از اینکه ما ادعای مسلمانی داریم و این روزها ماه مبارک رمضان و به ادعای ما ماه حرام است و گناهش دوجندان. حال انتخاب خیر و شر به‌دست کاربران شبکه مجازی...؛ اما مانی نظر دیگری دارد: «خب خودش که از شغل و شرایطش توی ایران خبر دارد، می‌دونه کلیا می‌شناسنش، چرا



شهرام مکر، کارگردان «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر»

جهان دیگر نیازمند استار نیست



شهرام مکر، کارگردان «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر»

فرانک آر تا

شهرام مکر از زمان ساخت فیلم‌های کوتاهش تا امروز دغدغه رسیدن به فرم بیانی منحصربه‌خود را در سینما با اشتیاق دنبال کرده. هرچند گاهی به نظر می‌رسد کمتر به محتوا توجه می‌کند، اما این باعث نشده که از خلاقیت و ورود به عرصه‌های ناشناخته دست بردارد. فیلم «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» بعد از هشت سال به نمایش درآمد؛ اتفاقی سوال برانگیز که چرا فیلمی که دارای پیشنهاد جالبی برای سینمای ایران است، دچار سوءفاهم شد ولی بااین‌حال به همت گروه هنر و تجربه بالاخره اکران شد. به این بهانه با شهرام مکر گفت‌وگو کردیم.

کسی که از نقطه‌نظر تحلیلی به آن بازی نگاه می‌کند، اینکه ما همه بازی‌ها در فیلم‌های متنوع و متفاوت را با الگویی ثابت در نظر بگیریم، اشتباه است. درست است که ما با مفاهیمی مثل بازی خوب و بازی بد روبه‌رو هستیم، اما برای رسیدن به این مفاهیم باید اول ببینیم بازی‌ها در یک فیلم با فضا و داستان و اتمسفر حاکم بر فیلم یکی هست یا نه. فیلم «اشکان...» نیاز به بازی‌هایی داشت که فضای فانتزی سیاه آن را شکل بدهد و این نباید با بازی بازیگر در فیلم‌های رئالیستی که در آن بازیگر هرچه‌بیشتر سعی می‌کند به زندگی واقعی نزدیک شود، هم‌سنگ فرود شود.

● با توجه به کم‌بود فیلم، به نظر شما پیچیدگی ساختار فیلم در ارتباط با مخاطب مشکلی به‌وجود نمی‌آورد؟
فکر نمی‌کنم. به‌نظر فیلم «اشکان...» داستان پیچیده‌ی خوددش را ساده تعریف می‌کند. تصور نمی‌کنم تماشاگر این روابط به‌ظاهر پیچیده را نتواند دنبال کند و احتمالاً تمرکزش را از دست نخواهد داد. ضمن اینکه یکی از ویژگی‌های فیلم‌های موردعلاقه‌ام در دورانی که «اشکان...» را می‌نوشتیم و می‌ساختم، توجه به تعاریفی بود که در آنها تلفیقی بین مفاهیم پاپ‌تر (اینجا مثلاً کم‌بودی بودن) و پیچیده‌تر (اینجا منظوم‌فرم و شیوه روایت است) به‌وجود می‌آمد. خب دوست نداشتم صرفاً یک فیلم مخاطب‌پسند را به هر قیمتی کار کنم و می‌خواستم کمی از دنیای شخصی و درونی خود را هم به فیلم تزریق کنم.

● مثلاً دارم بدانم موقع نوشتن فیلم‌نامه چگونه عمل می‌کنید؟ اولویت را به چه می‌دهید؟ داستان‌ها را چگونه پیش می‌برید؟
مثل هر فیلم‌نامه‌نویس دیگری روش‌های متنوعی برای نوشتن فیلم‌نامه دارم. مثلاً فیش‌برداری می‌کنم. گاهی درباره شخصیت‌ها چیزهایی را می‌نویسم و بیشتر مواقع در حال راه‌رفتن و غذا خوردن و حتی فیلم‌دیدن، به فیلم‌نامه

است: «همه این اتفاقات نتیجه ترویج روحیه دورویی در جامعه است. اکثر افراد جامعه در خانه‌شان یک جور زندگی و رفتار می‌کنند و در محل کار و جاهای خاص یک جور دیگر».

بااین‌حال، بخش دیگری از بازتاب‌هایی که درباره برنامه «ماه عسل» به‌وجود آمده است، به حاشیه‌سازبودن میهمان‌هایی پرداخته است که از سوی علیخانی برای شرکت در این برنامه انتخاب می‌شوند؛ یکی از مخاطبان بی‌نام عنوان کرده است: «احسان علیخانی کلاً با حاشیه موافق هستش، یعنی حاشیه بوده که اونو به به مجری از نظر خودش موفق تبدیل کرده و متأسفانه مردم در سراسر دنیا به‌علت ذات شخصیشون عاشق مطالب حاشیه‌ساز هستن، بداً به حال این خانم مدل و خیلی‌ای دیگه که به خاطر این شخصیت‌ها و برنامه‌هاشون در بهترین حالت شاید از زندگی روزمره محروم بشن و امثال مستر علیخانی معروف‌تر میشن». رضا به نوع دیگری به همین موضوع اشاره کرده است: «می‌خواد با این کارا خودشو بزرگ کنه، بیاد کنار مجری‌های مطرحی مثل عادل فردوسی‌پور؛ ولی نمی‌دونه حتی به گرد پای عادل هم نمی‌تونه برسه، چون اولین مشخصه‌ای که عادل داره مردمی بودنشه».

در کنار بازخوردهایی که برنامه «ماه عسل» در روزهای اخیر داشته، این برنامه در طول سال‌هایی که پخش شده، همیشه یکی از خبرسازترین‌های سیما بوده است. بااین‌حال، پخش برنامه‌های دیگری همچون سریال‌های پر مخاطب در ایام ماه مبارک رمضان نیز بخشی از توجه مخاطبان سیما را جلب کرد؛ اما امسال، که به گفته برخی کارشناسان و منتقدان صداوسیما، کفگیر این رسانه به تنه دیگ خورده است، حواشی یک برنامه، مخاطبانی را روانه «ماه عسل» کرده و بار دیگر صداوسیما را بر سر زین‌ها انداخته است.

دارم. اما «اشکان...» ارتباطی با آن ندارد. به‌هرحال باید به این نکته اشاره کنم؛ همان‌طورکه می‌دانی من در فیلم‌ها نگاه مستقیم و واضحی به فیلم‌های مختلف تاریخ سینما دارم و خیلی برایم سخت است که بگویم کدام فیلم بیشترین تأثیر را روی من دارد. بیشتر از همه خود تاریخ سینماست، با همه فیلم‌های خوب و بدش.

● برخی از داستان‌های فیلم مثل سالن تشریح و نحوه مردن آن جوان به نظر می‌رسد ربطی به کلیت داستان فیلم ندارد، چرا چنین داستان‌هایی را وارد کردید؟

اتفاقاً همه ماجرای فیلم «اشکان...» از مرد پاروئی شروع می‌شود. فکر کنید اگر آن نبود اصلاً تنگ ماهی بیرون نمی‌افتاد و ماشین آدم‌کش‌ها تصادف نمی‌کرد و یکی از آنها به‌خاطر مهربان بودن نمی‌مرد و پسر مالخر و دختر کارمند مالخر با هم فرار نمی‌کردند و پلیس آنها را نمی‌گرفت و سرباز به به عشتش بر پرده سینما نمی‌رسید. همه چیز اتفاقاً از مرد پاروئی و جنازه آن شروع می‌شود. آدمی که کاملاً تصادفی مرده اما حالا جنازه‌اش هم عامل مجموعه‌ای از تصادفات است.

● آیا فکر می‌کنید چنین فیلمی بتواند ذائقه تماشاگر ایرانی را عوض کند؟

حرف‌زدن درباره تماشاگر ایرانی بسیار کار سختی است. تماشاگر ایرانی هم بخشی از جامعه ایرانی است که این روزها خیلی بی‌شکل و غیرقابل‌پیش‌بینی به‌نظر می‌رسد. من به‌عنوان یک فیلم‌ساز احتمالاً باید فکر کنم کاری را انجام دهم که به آن معتقدم و دوستش دارم. اگر بخواهم به ری‌اکشن‌های یک جامعه غیرقابل‌پیش‌بینی اکتفا کنم، نمی‌دانم چه باید کرد و بطور باید فیلم ساخت. امیدوارم در نهایت سلیقه این تماشاگر کمی تغییر کند. چون فیلم‌های بهتری در دنیا برای دیدن وجود دارند، بهتر از آنهایی که فعلاً در سینماهای ما نمایش داده می‌شود. ولی این فقط یک آرزوست و نمی‌دانم با فیلمی مثل «اشکان...» چنین اتفاقی می‌افتد یا نه.

● چرا از بازیگران شناخته‌شده و بااصلاح ستاره در فیلم‌هایتان استفاده نمی‌کنید؟

فیلم در ایران و حتی شاید بشود گفت در جهان دیگر نیازمند ستار نیست تا به واسطه آن با مخاطب رابطه بگیرد. خود فیلم باید تبدیل به ستاره شود و در این فرایند به‌نظم سینمای ایران به جز یک بازیگر دیگر نمی‌تواند به استاره‌هایش متکی باشد و به خاطر آنها تماشاگر را به سالن‌ها بیاورد. به‌نظم فیلم‌نیاز به بازیگر خوب دارد نه لزوماً به بازیگر ستاره. بازیگر خوب هم در بین بازیگرهای تئاتری بیشتر وجود دارد. حداقل من این‌طور فکر می‌کنم که بچه‌های حال حاضر تئاتر ایران مستعدتر و جدی‌تر در این حوزه هستند.

● از فروش فیلم راضی هستید؟

راضی‌ام. باتوجه به مشکلاتی که هست راضی‌ام. فیلم فعلاً با استقبال خوبی روبه‌رو شده و ما چند سناسن فوق‌العاده برای آن داشتیم و بین همه فیلم‌های مخاطب‌پسند این روزها خوشبختانه «اشکان...» به سوددهی می‌رسد، حتما.

● حرف آخر؟

امیدوارم سینمای ما بتواند برای مخاطب‌هایی که سال‌هاست با سالن‌ها قطع رابطه کرده‌اند هم فیلم تولید کند و به نمایش بگذارد و مردم هرروز به سینما بروند و فیلم ببینند.

هنر

چهار روز

سیمین غانم روی صحنه می‌رود



● شرق؛ مجوز اجرای صحنه‌ای برای گروه موسیقی تلفیقی سیمین غانم توسط دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد صادر شد. این اجرا در روزهای ۳۱ تیر و

اول، دوم و نهم مردادماه ساعت ۱۵ در تالار وحدت با اجرای ۳۶ قطعه مانند «ستاره»، «بی‌قرار»، «حلقه» و «گل پامچال» برگزار خواهد شد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تبریزی؛ کاش جراحان دست‌به‌جراحی زنند



● شرق؛ شامگاه دوشنبه هشتم تیر، مراسم اکران خصوصی فیلم «از رئیس‌جمهور پادش نگیرید»، به‌کارگردانی کمال تبریزی، با تأخیر نیم‌ساعته ناشی از شلوغی پارکینگ پردیس سینمایی ملت، در این پردیس سینمایی برگزار شد.

قبل از شروع فیلم، کمال تبریزی صحبت‌های کوتاهی را درخصوص چگونگی اکران‌شدن این فیلم بعد از هفت‌سال انجام داد و با یادی از احمد آقالو گفت: در ابتدا باید از احمد آقالو که شخصیتی نازنین و مهربان بود، یاد کنیم چراکه در ساخت این اثر موقعیت‌های خوبی با او داشتم که در خاطر ما می‌ماند. امیدوارم که روحش بعد از این همه مدت که این فیلم نمایش داده می‌شود متوجه این جمع باشد و مثل ما که لذت می‌بریم و خوشحالی‌م که فیلممان بعد از هفت سال به نمایش درمی‌آید، آقالو هم همین حال را در دنیای دیگر داشته باشد. می‌خواهم بگویم که البته این حس من است و ممکن است شما با حس من همراه باشید یا برخی از شماها قبول نداشته باشید. ما دست‌اندرکاران این فیلم خوشحالی‌م که بعد از هفت سال توانستیم «دستانی» را که در وزارت ارشاد هستند قانع کنیم که این فیلم می‌تواند به نمایش درآید. من معتقدم روزهای خوبی در پیش است به جهت اینکه رحمت خیلی زیاد افرادی که در این فیلم همکاری کردند، دیده می‌شود و من شاهد آن هستم. چون فیلم بسیار دشواری بود زیرا مسئولان هر دو کشور ایران و عربستان بودند که با کار ما مخالفت می‌کردند و ما باید به نحوی با وجود اینکه موانعی وجود داشت تلاش می‌کردیم و فیلممان را بسازیم.

تبریزی ادامه داد: این‌روزها اتفاقی افتاده که وقتی شما پیش دکتر می‌روید و معاینه می‌شوید، بعد از آن احساس می‌کنید که قبلاً سالم‌تر بودید. فیلم ما هم شبیه همین است. بعد از هفت سال قرنطینه، مردم متخصسان در ارشاد تصمیم گرفتند که کار ما را جراحی کنند. انکار بچه‌ای که ما متولد کردیم بیماری دارد و آنها فکر می‌کنند که نباید با دیگران ارتباط برقرار کند. چراکه ممکن است بیماری‌اش سرایت کند. اما این فیلم از همان زمان تولد انرژی زیادی داشت و قصدش این بود که سلامتی به جامعه بیاورد، اما مورد جراحی‌های مختلفی قرار گرفت. اما دست به قلب بچه ما زدند و قلبش سالم است.

کارگردان فیلم «از رئیس‌جمهور پادش نگیرید» که خود نیز نقش کوتاهی در فیلم ایفا کرده است، گفت: متأسفانه این اتفاق افتاد و جراحی‌های متعددی روی آن صورت گرفت، اما در کنارش یک اتفاق خوب افتاد و این بود که خوشبختانه به قلب بچه ما دست نزدند؛ یعنی الان قلب بچه ما سالم است و شما می‌توانید مثل قبل با قلبش ارتباط برقرار کنید. امیدوارم شما بعد از دیدن فیلم، یک رابطه عاطفی با آن چیزی که قرار بود ما به مخاطب بگویم برقرار کنید و از آن لذت ببرید.

تبریزی در پایان گفت: آرزوی دیگر من این است که امیدوارم جراحی‌ای که در نقاط مختلف کشور ما وجود دارند به این نتیجه برسند که از این به‌بعد دست به جراحی نزنند و اجازه دهند که فیلم‌های سینمایی ما و همکارانمان و همه کسانی که در سینمای ایران کار می‌کنند به همان شکلی که متولد شدند برای مخاطب به نمایش دربیایند و هیچ جراحی‌ای روی آنها صورت نگیرد.

در ادامه، در حین نمایش فیلم، واکنش‌های زیادی از مخاطبان مثل کف‌زدن، خندیدن و تحسین راضی‌بودن اکثریت از محتوای فیلم بود.

این مراسم هم مزین بود به عکس و پوستر احمد آقالو، با استقبال خوبی همراه شد و در آن چهره‌هایی همچون احمد مسجدجامعی، رخشان بنی‌اعتماد، جهانگیر گوری، رضا کیانیان، مجتبی راعی، بهمن زرین‌پور، نازنین بیاتی، محمدرضا غفاری و... حضور داشتند.

هنر و تجربه

برنامه سینمایی

پردیس سینمایی فر هنگ

پردیس سینمایی گورش

خانه هنرمندان

موزه سینما

پردیس سینمایی هوزه (مشهد)

تالار سینمایی سوره (اصفهان)

کابیراگران

ساحل (اهواز)

aecinema.ir

باشو

غریبه کوچک

کارگردان:

بهرام بیضایی

